

تأثیر تسلط زنان بر مهارت های اخلاقی و مسئولیت پذیری آن ها بر کاهش طلاق

لیلا ناصر زاده^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح سه (کارشناسی ارشد) حوزه علمیه خواهران، رشته تفسیر و علوم قرآنی، پژوهشگر

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

فرهنگ یک ملت، شکل دهنده پیکره آن ملت و تعیین و تنظیم کننده ارزش ها، باورها، هنجارها و رفتارهای مردمان آن است. در رابطه با طلاق و عوامل پدیدآورنده آن نیز، عوامل اخلاقی و مسئولیت پذیری به شکل مستقل یا زمینه ساز سایر عوامل مسبب طلاق، در افزایش یا کاهش میزان آن بسیار حائز اهمیت است. در این راستا، بررسی کیفی "تجارب مردان و زنان طلاق گرفته، از عوامل اخلاقی و مسئولیت پذیری" به عنوان گام مهمی در شناخت و پیشگیری از طلاق در کشور، هدف اصلی این پژوهش است. این پژوهش به صورت کیفی، از نوع پدیدارشناسی انجام گرفت. براساس مفاهیم به دست آمده؛ عوامل اخلاقی زمینه ساز طلاق شامل چهار زیرمجموعه: الف- "عدم پایبندی به ارزش های مذهبی و اخلاقی"؛ ب- "عدم پایبندی به ارزش های اجتماعی"؛ ج- "ناهنجاری های فرد و خانواده" و د- "تفاوت در خرده فرهنگ هاست". یافته های پژوهش نشان داد که در کدبندی الف: کم رنگ شدن ارزش های اخلاقی- دینی و عدم پایبندی به آنها در ارتباط با جنس مخالف و در قسمت ب: افزایش توقعات، انحرافات و نارضایتی جنسی، تغییر در نقش های جنسیتی، تأثیر منفی رسانه ها و وجود باورهای نادرست در فرد، همچنین در قسمت ج: فقدان آمادگی و مهارت در فرد و خانواده برای انتخاب و زندگی مشترک، فقدان مهارت جنسی، عدم توانایی برای حل مشکل و تعارض در زوجین، فرهنگ تحمیل در انتخاب همسر، قدرت طلبی و سلطه گری در خانواده و فرهنگ اقتصادی نادرست و در نهایت، در کدبندی د: تفاوت در خرده مسئولیت پذیری و عدم کفویت زوجین در زمینه های مختلف، در بروز اختلاف زناشویی و طلاق آنها مؤثر بودند. یافته ها همچنین بیانگر آن بود که مسئولیت پذیری حاکم بر جدایی، روند طلاق را از مسیر صحیح و مطلوب خود خارج نموده، ضمن وارد کردن آسیب روحی، شخصیتی و جسمی بر زوجین، آن را به واقعه ای خصمانه، دامنه دار و برگشتناپذیر مبدل ساخته است.

واژه های کلیدی: عوامل اخلاقی، عوامل مسئولیت پذیری، طلاق، هنجارهای اجتماعی

خانواده، سلول اصلی سازنده اجتماع، نخستین نهاد اجتماعی است که سلامت فرد و بقای جامعه در گرو سلامت و پایداری آن است. اگرچه ازدواج به عنوان پیش شرط تشکیل خانواده، زمینه را برای پیوند و اتصال نسل‌های متوالی فراهم آورده و موجب تثبیت و انتقال فرهنگ جامعه از نسل گذشته به نسل جدید می‌شود، با این حال، خانواده‌ها همواره قادر نیستند تا کنش‌های متقابل اجتماعی اعضایشان را به صورت پیوسته به سمت هدفی خاص هدایت نموده و انسجام گروهی خانواده را حفظ نمایند. در این وضعیت، اختلافات خانوادگی می‌تواند به گسست پیوند اجتماعی ازدواج و وقوع طلاق منجر و زمینه فاصله و گسست نسل‌ها و آسیب فرهنگ‌ها را فراهم سازد. طلاق به عنوان مبعوض‌ترین حلال الهی و آخرین راه‌حل رهایی زن و مرد از یک زندگی متشنج، آسیب‌زا و به بن‌بست رسیده، اکنون به معضلی اساسی و خطری جدی تبدیل شده است که به آسانی هستی خانواده را تهدید نموده، بنیاد بسیاری از زندگی‌های زناشویی؛ به خصوص زوج‌های جوان جامعه را به نابودی می‌کشاند.^۱

عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی، از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش طلاق هستند. در این میان، از میان عوامل زمینه‌ساز طلاق، به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت فرهنگ و نقش اساسی آن در طرز تفکر، شیوه رفتار و سبک زندگی افراد یک جامعه، عوامل اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین و ریشه‌ای‌ترین؛ اما پنهان‌ترین عوامل زمینه‌ساز طلاق باشند. نقش عوامل مسئولیت‌پذیری در پیدایش و افزایش طلاق هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم و زمینه‌ساز برای پیدایش سایر عوامل مسبب طلاق است. با این همه، این نقش تعیین‌کننده همواره مورد غفلت واقع شده و بیشتر به سایر عوامل روبنایی که در بیشتر موارد خود زاینده همان عوامل فرهنگی هستند، پرداخته شده است.^۲

کاهش فرهنگ تعامل و حس مسوولیت‌پذیری میان زوجین را از مولفه‌های اساسی افزایش پدیده طلاق در جامعه نام برد و بر نقش اثرگذار افراد با تجربه در حل اختلاف میان همسران و کاهش طلاق تاکید کرد. به‌طور معمول پدیده طلاق پیامدهایی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و مسئولیت‌پذیری به همراه دارد که در این میان سهم زنان از این ناخوشی‌ها بیشتر خواهد بود. این قشر از جامعه پس از طلاق در برابر فشارهای روحی و روانی قرار می‌گیرند و در مواردی اضطراب و نگرانی از آینده بر مشکل‌های روحی زنان مطلقه می‌افزاید.^۳

بررسی چگونگی تسلط زنان در مهارت اخلاقی

الف) تغییر نگرش نسبت به ازدواج

تغییر در نگرش نسبت ازدواج از مهم‌ترین عوامل افزایش میزان طلاق به شمار می‌آید. به تعبیر برخی جامعه‌شناسان؛ از جمله کوپر (۱۹۸۵)، خانواده و ازدواج در دیدگاه جدید غربی از یک "نهاد" به "مصاحبت" مبدل شده است. در نگاه زوج جوان ازدواج

ازکمپ، ا. (۱۳۶۹). روان‌شناسی کاربردی، ترجمه: فرهاد ماهر، مشهد: نشر آستان قدس!

چلپی، م. (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی نظم و تشریح و تحلیل نظری نظام اجتماعی، تهران: نی.

اسکافی، م.؛ ترکمان، ف. و ساروخانی، ب. (۱۳۹۴). «سنجش و سنخ‌شناسی طلاق عاطفی در مشهد»، علوم اجتماعی، س ۱۲، ش ۱، ص ۲۵۰-۲۲۵.

قراردادی است که با گزینش کاملاً آزادانه و بر مبنای عشق رمانتیک استوار می‌گردد. چنین مفهومی از ازدواج خود مفهوم طلاق و گسست زناشویی را با توجه به ناپایداری و گذرایی احساسات عاشقانه دربردارد (امیدی‌شهرکی، ۱۳۸۷: ۷۶).

ب) آرمان‌زدگی

در کنار تغییر نگرش نسبت به ازدواج، نگاه غیرواقع‌بینانه نسبت به زندگی؛ یعنی آرمان‌زدگی نیز شایان توجه است. هرچند آرمان‌زدگی تأثیر مهمی در حرکت‌آفرینی و موفقیت دارد؛ اما آرمان‌زدگی به معنای نگاه افسانه‌ای و غیرواقع‌بینانه به زندگی می‌تواند به افزایش سطح انتظارات و یاس و سرخوردگی بینجامد.^۴ حاصل ضرب آرمان‌زدگی و الگوی سبک زندگی در انتخاب همسر آن است که امروزه جوانان ما آرمان‌های خود؛ به‌ویژه اهداف مادی را از ازدواج می‌خواهند. برخی کارشناسان معتقدند که فاصله آرمان‌ها و واقعیت‌ها در کشور ایران بیش از هر کشوری است. نتیجه آنکه دختر و پسر با ورود به زندگی مشترک با واقعیت‌هایی مواجه می‌شوند که با تصویر آرمانی آنان فاصله بسیار دارد و این خود نقطه آغاز ناملایمات زندگی و اختلافات زناشویی است^۵ (قاسم‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰).

پ) عدم افزایش سطح انتظارات مادی و غیرمادی

افزایش توقعات غیرواقعی از ازدواج و سپس از زندگی مشترک و یکدیگر، بر روابط عاطفی زوجین مؤثر و عامل بسیاری از ناسازگاری‌ها و جدایی‌هاست. این توقعات ممکن است در زمینه مالی، عاطفی و غیره باشد. "توقعات بسیار اغلب ناشی از نازپروردگی، چشم و هم‌چشمی‌ها، نگاه کردن به زندگی دیگران و کوچک به حساب آوردن همسر است و حاصل آن جز ناکامی و پریشانی نیست"^۶ (قائمی، ۱۳۸۶، ۲۵۲). امروزه زن و مرد از احساس عمیق ناسپاسی رنج می‌برند. تعهدات کاری و مالی بیش از حد که به خستگی جسمی و روحی می‌انجامد، پیامد دیگر افزایش سطح مطالبات از زندگی زناشویی است که ممکن است زن و شوهر را به جدایی بکشاند.^۵

ت) تغییر فرهنگ مشارکت اجتماعی و نقش‌های جنسیتی

تغییر نگرش در مورد نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زن و مرد و تغییر هنجارهای مربوط به الگوی خانواده سنتی (مرد نان‌آور و زن خانه‌دار) نیز از عوامل مؤثر بر افزایش طلاق هستند. تغییر فرهنگ الگوی مشارکت اجتماعی-اقتصادی، از طرفی با توجه به مشارکت زنان در هزینه‌های خانواده، بر توقعات آنان برای مشارکت در مدیریت افزوده و با کم شدن ترس از آینده به دلیل دسترسی به منابع اقتصادی ثابت، از دلهره آنان از آینده، در صورت بروز اختلافات کاسته است (ملک‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۶۵).^۶

رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: سروش؛

اکبری، ف. (۱۳۹۳). بررسی میزان طلاق عاطفی و پیامدهای اجتماعی و روانی آن (مطالعه موردی زوجین شهر سنندج)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

ابن مسکویه، علی بن احمد، تهذیب الاخلاق، انتشارات صدوق، قم، ۱۳۸۹، چاپ دوم.

چ) تأثیر منفی رسانه‌ها

رسانه‌های جمعی به‌ویژه رسانه‌های شنیداری و غیرمعامل به دلیل کارکرد متنوع خود و ایجاد تغییرات پیوسته، به تدریج جای ارتباط فردی از نوع چهره به چهره را گرفته و توانسته‌اند فضای انفرادی را به جای فضای جمعی و اجتماعی خانواده حاکم کنند؛ به طوری که گسترش تکنیکی رسانه‌های شنیداری و رایانه‌ای، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از گروه نشان می‌دهد. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که میزان مشاهده تلویزیون توسط افراد ایرانی نزدیک به چهار ساعت و نیم در روز است. این میزان بسیار زیاد است و می‌تواند به کاهش فضای گفتگو و در نتیجه ایجاد فاصله عاطفی و هیجانی و همچنین فاصله شناختی میان اعضای خانواده منجر گردد. این روند به افزایش فردگرایی و کاهش جمع‌گرایی می‌انجامد که خود عامل مهمی در تلاشی انسجام خانواده‌هاست (پورحسین، ۱۳۸۶: ۱۹۵).

از طرف دیگر حضور بی‌قاعده ماهواره و اینترنت در خانه‌ها، ذائقه جنسی را افزایش داده و از جذابیت زن و شوهر برای یکدیگر کاسته است. علاوه بر این، عدم رعایت مرزهای اخلاقی میان زن و مرد؛ از جمله مشاهده تصاویر و فیلم‌های مستهجن به شکل گروهی، سطح حیا را کاهش داده است. استمرار این وضعیت در روابط زن و مرد، در کنار افزایش حضور در مجالس دوستانه و مجالس خانوادگی، بدون رعایت قواعد اخلاقی، به بی‌تفاوتی مرد در مقابل رفتارهای جنسی همسر منجر شده است.^۸

ح) افزایش توقعات، انحرافات و نارضایتی جنسی

در بحث تحولات جنسی لازم است به دو موضوع به طور مجزا توجه شود: اول تغییر در توقعات جنسی که آثار خود را در ناکامی جنسی نشان می‌دهد؛ و دوم انحرافات جنسی که گاه از آن به خیانت در زناشویی هم تعبیر می‌کنند. نارضایتی جنسی که بیشتر زنان و مردان بر اثر شرم و حیا از ابراز آن امتناع می‌ورزند، زیربنای بسیاری مشکلات خانوادگی است. فروتن و جدیدمیلانی (۱۳۸۷) با بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق در تهران دریافتند که ۶۶/۷ درصد مردان و ۶۸/۴ درصد زنان از زندگی جنسی با همسرانشان راضی نبودند.^۹

ذ) غلبه فرهنگ استقلال‌طلبی و فردگرایی

غلبه فرهنگ استقلال‌طلبی و فردگرایی نیز، شیوه‌های همسرگزینی را دگرگون و مداخله والدین را در این فرایند کم اثر کرده است. پس طبیعی است والدینی که در فرایند همسرگزینی فرزندان‌شان نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نکرده‌اند، انگیزه حمایتگری کمتری نیز داشته باشند. کاظمی‌پور (۱۳۸۷)؛ با سنجشی در مورد نگرش جوانان نسبت به ازدواج با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی نشان داد که؛ در قالب تئوری آندره شرلین، ازدواج‌ها به سمت غیررسمی شدن پیش می‌رود.

امین، سیده نصرت، مخزن العرفان، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ش

بخارایی، ا. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)، تهران: پژوهش‌های جامعه‌شناختی.

توسلی، غ. ع. (۱۳۸۱). مشارکت اجتماعی در وضعیت جامعه آمیک، تهران: نشر دانشگاه تهران.

ر) تغییر در الگوی مصرف و فرهنگ اقتصادی خانواده

در کنار این همه، تحول در الگوی سبک زندگی و تغییر الگوی مصرف نیز تعیین کننده بسیاری از تحولات در خانواده ایرانی است. نماینده جامعه ایرانی با بسیاری از جوامع غربی در آن است که میزان مصرف در خانواده، تابعی از درآمد خانواده نیست. چه بسا خانواده‌هایی که درآمد ماهیانه‌شان آنها را در زمره دهک‌های پایین جامعه جای می‌دهد، اما رفتار مصرفی آنها، عادات دهک‌های بالاتر را بازگو می‌کند. در جامعه ما میزان رقابت و چشم و هم‌چشمی بالاست و مصرف به یک رفتار هویت‌بخش و هویت‌نما تبدیل شده است. در این گونه موارد، خانواده توانایی مقاومت در قبال محرومیت اقتصادی را ندارد و نمی‌تواند متناسب با درآمد خود، رفتار مصرفی‌اش را سامان بخشیده و با وضع موجود کنار بیاید. در چنین حالتی است که اختلافات خانوادگی، خود را نمایان می‌سازد (قاسم‌پور، ۱۳۹۰: ۶). لذا میان بینوایی و احساس فقر باید تفاوت قائل شد.

ز) مداخله اطرافیان

ناهنجاری مهم دیگری که موجب درگیری در بین زوجین و از هم‌پاشیدگی کانون گرم خانواده است، دخالت و تحریک حسودان و بدخواهان، جاهلان عالم‌نما و دشمنان زیرک و کینه‌توز است. نتایج پژوهش نظری (۱۳۹۰)؛^۱ در بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان، نشان داد که میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین و میزان تفاوت منزلتی زوجین، بیشترین تأثیر را بر میزان گرایش به طلاق داشته‌اند.

ژ) کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی

پایبندی به سنت‌ها و رسوم اخلاقی در یک جامعه دینی، عامل مهمی در تحکیم روابط خانوادگی است. نقش عنصر اخلاق در استحکام خانواده از مسائلی است که به نظر می‌رسد کارشناسان امور خانواده حق آن را ادا نکرده‌اند. این در حالی است که در شرایطی که حتی دو زوج از جهات گوناگون همسانی دارند، ضعف تربیت اخلاقی می‌تواند به تنهایی باعث از هم پاشیدگی خانواده شود (بستان، ۱۳۸۵: ۲۱۷). آقاجانی‌مرسا (۱۳۸۴)؛ در بررسی علل طلاق در شهر تهران دریافت که افزایش پدیده طلاق در شهر تهران به علت سست شدن هنجارهای اجتماعی و اخلاقیات مشترک است. اخلاق دینی یک وجه مشترکی با اخلاق غیر دینی نیز دارد و آن توجه و دغدغه داشتن نسبت به نیازها، احساسات و رنج و درد دیگران است، به طور کلی در ساحت اخلاق، دیگری اهمیت پیدا می‌کند، این مساله چه در ساحت اخلاق دینی و چه اخلاق غیر دینی یا سکولار وجود دارد؛ همانطور که کانت می‌گوید آن لحظه‌ای که انسان به دیگری می‌اندیشد و نیازها و احساسات و منافع دیگری را مورد توجه قرار می‌دهد، آن لحظه وارد عرصه اخلاق می‌شود. کیرکه‌گور الهی دان دانمارکی نیز بر همین اساس عرصه اخلاق را از زیبا شناختی و ایمان تفکیک کرده است. در عرصه زیبا شناختی انسان به خود توجه دارد، در عرصه ایمان به خدا و در عرصه اخلاق

ریترز، ج. (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی!

انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول!

سبحانی‌جو، ح. ع. (۱۳۸۴). «خانواده، تحولات جهانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی»، مجله پیوند، ش ۳۱۵، ص ۳۵-۴۲!

به دیگری. بنابراین درون مایه فعل اخلاقی از خود گذشتگی و توجه به دیگری و نیازها و منافع اوست، این در حقیقت وجهی است که در اخلاق دینی و اخلاق غیر دینی داریم.

س) کاهش آستانه صبر و سازش پذیری

کاهش آستانه صبر، تحمل و سازش در جامعه امروز خود زمینه ساز تزلزل خانواده هاست. در اخلاق دینی و سنت های اخلاقی، بر احساس تعهد و مسئولیت و صبر و سازش تأکید شده است. همچنین، در گذشته ساختارهای فرهنگی؛ حیا، صبر جنسی و عفت را نهادینه می کرد و خانواده را به مثابه نهادی مقدس معرفی می نمود که پاسداشت آن پذیرش محدودیت ها را ممکن می ساخت، اما تحولات فرهنگی سال های اخیر، معادله ازدواج را از برقراری یک رابطه مسؤولانه و مقدس به رابطه ای شادکامانه و قراردادی تنزل داده است. از این رو، زوج های کنونی کمتر به حفظ خانواده ای تن می دهند که روابط فردی آنان را در حد انتظار پاسخ ندهد. دُر چنین فضایی که فرهنگ حاکم پایان دادن به زندگی ناشاد را مصداق عقلانیت می داند، افرادی که بخواهند بر حفظ چنین رابطه زناشویی اصرار ورزند، فشار روانی بیشتری را تجربه می کنند (قاسم پور، ۱۳۹۰: ۶).

ش) کم توجهی نسبت به کسب مهارت های زندگی

عدم انتقال صحیح شیوه های قومی به نسل جدید برای ورود به حیات خانوادگی، به دلیل کم توجهی خانواده و نهادهای رسمی، آن هم در عصر جدید و با گسترش خانواده هسته ای، باعث اختلال در کارکردهای اصلی نهادهای اجتماعی شده است. آشنا نبودن نسل جوان با مهارت های لازم، برای داشتن روابط سالم و آداب صحیح یک زندگی مشترک منطبق با فرهنگ بومی خانواده های ایرانی، از جمله مهارت ارتباطی و عاطفی، مهارت شغلی، مهارت مواجهه با بحران های اقتصادی، استرس های عصبی و ناکامی ها، زندگی زوجین جوان را با بحران مواجه ساخته است. بنابراین، بالارفتن سن ازدواج تا دستیابی به مهارت های گفته شده، توصیه می شود، اما به این نکته کمتر توجه می شود که بالارفتن سن ازدواج و تغییرات فرهنگی چه تأثیری بر رشد نیافتگی دختران و پسران دارد. نتایج پژوهش های سعادتی و دیبایی (۱۳۸۹) و دلشاد نوقانی و همکاران (۱۳۹۰)؛ در بررسی عوامل مسبب طلاق، بیانگر نقش اساسی آموزش مهارت های زندگی، مهارت های جنسی و ارتباطی در ازدواج و روش های تصمیم گیری منطقی و مقابله با بحران در کاهش میزان طلاق بود. ویسمن (۱۹۹۷) نیز، طی یک پژوهش ملی دریافت که مهم ترین مشکلات مطرح شده از سوی زوجین مراجعه کننده برای درمان، فقدان احساس عشق، مشاخره برسر قدرت، مشکلات ارتباطی، انتظارات غیرمنطقی و مدیریت تعارض است.^{۱۴}

سبحانی جو، ح. ۶. (۱۳۸۴). «خانواده، تحولات جهانی و مسئولیت پذیری اجتماعی»، مجله پیوند، ش ۳۱۵، ص ۳۵-۴۲.

پاک نیا تبریزی، عبدالکریم، نگاهی به خطبه های حضرت زینب (س)، نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۹۱، چاپ اول؛

ص) سهم و نقش زنان در ایجاد مهارت اخلاقی

از آنجا که یکی از مسائلی که مهارت اخلاقی جامعه را تهدید می کند، بی بند و باری و بی حجابی زنان بوده، از نظر قرآن و روایات و نیز امام خمینی زنان می توانند با رعایت برخی از مسائل، نقش ارزنده ای در ایجاد مهارت اخلاقی در جامعه ایفا بکنند

۱۵.

بند اول: حضور قاعده مند در اجتماع

در نگاه آغازین شاید طرح این بحث زاید به نظر آید و چنین پنداشته شود که لزوم حضور زن در اجتماع و در شرکت امور و صحنه های مختلف اجتماعی و سیاسی تردید بردار نیست. در هر حال گویا لزوم وجوب حجاب بهترین و محکمترین دلیل حضور زن در اجتماع است چون حجاب و لزوم رعایت آن از سوی زن در مقابل نامحرم و در ارتباط با اجنبی است و روشن است که اگر زن می بایست در گوشه ای به دور از انظار نگاه داشته شود و حضور در عینیت جامعه نداشته باشد در خصوص پوشش با این همه گستردگی و حساسیت سخن گفتن چه معنایی داشت؟^{۱۶}

خداوند در قرآن کریم می فرماید: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتَوُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا". (النساء، ۱۹)

ای اهل ایمان! برای شما ارت بردن از زنان در حالی که خوشایند شما نیستند [و فقط به طمع به دست آوردن اموالشان پس از مرگشان با آنان زندگی می کنید] حلال نیست. و آنان را در تنگنا و فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را [به عنوان مهریه] به آنان داده اید پس بگیرید، مگر آنکه کار زشت آشکاری مرتکب شوند. و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید. و اگر [به علتی] از آنان نفرت داشتید [باز هم با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید] چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خدا در آن خیر فراوانی قرار می دهد.

"برخی از مفسرین این آیه را نیز دلیل بر جواز حضور زن در اجتماع دانسته اند. در این بخش قرآن کریم، ما را متوجه کرده و می فرماید با زنها معاشرت نیک داشته باشید و زن را همچون مرد در مجامع تان راه دهید و اگر خوشایندتان نیست که آنها در مجامع تان شرکت کنند این کار ناخوشایند را بکنید چرا که ممکن است خیر فراوانی در آن باشد". (جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص ۳۶۹) در اینجا اشاره ای می کنیم به نمونه هایی از زنان که حضورشان در اجتماع به صورت عقیف و با حیاء بوده است:

حضرت امام به مقتضای شناخت همه جانبه و عمیقی که از آموزه های دینی دارند، رسالت خود و انقلاب اسلامی را دستیابی زنان به مقام والای انسانی می دانند، به گونه ای که بتواند در سرنوشت خود دخالت کند. (ر.ک: صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۰)^{۱۷}

تتکابنی، فرید، نهج الفصاحه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲، چاپ هفدهم.

جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۸، چاپ سوم.

حافظ نیا، محمد رضا، اصول و مفاهیم ژنوپلیتیک، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸، چاپ سوم.

اگر قرآن کریم سرنوشت جوامع را به دست خود آنان می داند و پیشرفت و تحولات نیک آن را در سایه تلاشهای آحاد جامعه معرفی می کند (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بأنفسهم) (رعد، آیه ۱۱)؛ و انحطاط اخلاق و فرهنگ و زوال نعمت ها و شکست تمدن ها را نیز ناشی از عملکرد خود مردم می شمارد (ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یتغیروا ما بأنفسهم) (انفال، آیه ۸)؛ این «مردم» اختصاص به گروهی خاص ندارد. جلوه ای از این اصل قرآنی همان است که در سخنان امام بارها بر آن تأکید شده است، از جمله اینکه:

«اسلام زن را مثل مرد در همه شئون - در همه شئون - همانطوری که مرد در همه شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۰)

اما حضرت امام خمینی با اینکه تأکید فراوان بر حضور زن در مسائل اجتماعی داشتند الگوهایی را برای زنان مطرح کردند از جمله، زنان را به الگو برداری از حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت زینب (سلام الله علیها) دعوت می کردند.

بند دوم: پرهیز از اختلاط با نامحرم^{۱۸}

آنچه تا کنون بیان کردیم در جواز شرکت زن در اجتماع تردید باقی نمی گذارد. اما لغزشگاه بودن و زمینه فساد درست کردن اختلاط و امتزاج، امری غیرقابل انکار است. بدینسان اگر برای این حضور ضرورتی را قائل باشیم، مرزبندی دقیق نیز ضروری خواهد بود. یکی از این شرایط پرهیز از اختلاط بر حضور اجتماعی زن می باشد. اسلام این حضور را بدون قید و شرط رها نمی کند و یکی از شرایط مهم و اساسی فعالیت اجتماعی زن و حضور وی در صحنه های گوناگون مرزبندی دقیق و جدایی او از مردان است.

قرآن کریم یکی دیگر از احکام را در زمینه "حجاب" چنین بیان می دارد: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ / هنگامی که چیزی از متاع و وسائل زندگی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بخواهید از پشت حجاب (پرده) بخواهید.

گفتیم این امر در میان اعراب و بسیاری مردم دیگر معمول بوده و هست که به هنگام نیاز به بعضی از وسائل زندگی موقتاً از همسایه به عاریت می گیرند. خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز از این قانون مستثنا نبوده، و گاه و بیگاه می آمدند و چیزی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عاریت می خواستند، روشن است قرار گرفتن همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در معرض دید مردم (هر چند با حجاب اسلامی باشد) کار خوبی نبود لذا دستور داده شده که از پشت پرده یا پشت در بگیرند. نکته ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که منظور از "حجاب" در این آیه پوشش زنان نیست، بلکه حکمی اضافه بر آن است که مخصوص همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و آن اینکه مردم موظف بودند به خاطر شرایط خاص همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر گاه می خواهند چیزی از آنان بگیرند از پشت پرده باشد، و آنها حتی با پوشش اسلامی در برابر مردم در اینگونه موارد ظاهر نشوند.^{۱۹}

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۹، چاپ چهارم.

دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۹، چاپ پنجم.

البته این حکم در باره زنان دیگر وارد نشده، و در آنها تنها رعایت پوشش کافی است. شاهد این سخن آنکه کلمه "حجاب" هر چند در استعمال های روزمره به معنی پوشش زن به کار می رود، ولی در لغت چنین مفهومی را ندارد، و نه در تعبیرات فقهای ما. "حجاب" در لغت به معنی چیزی است که در میان دو شیء حائل می شود به همین جهت پرده ای که در میان امعاء و قلب و ریه کشیده شده "حجاب حاجز" نامیده شده است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۰۲) ۲۰

حضرت امام خمینی بارها در مورد نحوه حضور زنان در فعالیت های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سخن گفته و ملاک را داشتن پوشش اسلامی و تطابق با موازین و احکام شرعی می داند و آنگاه که از حجاب زنان و شرکت در فعالیت های گوناگون سخن به میان می آید می فرماید:

« زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده اند و به اسلام پناهنده شده اند. » (همان، ج ۵، ص ۵۴۱)

بند سوم: پرهیز از گفتگوی لهو با نامحرم^{۲۱}

برای داشتن جامعه ای عاری از هر گونه مسائل ضد ارزشی و اخلاقی، لازمه اش این است که در رابطه با گفتگو با نامحرمان رعایت موازین دینی انجام شود و به دستورات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) با جان و دل عمل کنیم. تا شاهد زیبایی های بیشتر اخلاقی باشیم.

ابوبصیر گوید: " کنت اقوی امراته کنت اعلمها القران فما زحتها بشی فقدمت علی ابی جعفر فقال لی ای شی قلت للمرئه فغطیت وجهی فقال لاتعودن الیها" (فتاحی زاده، حجاب از دیدگاه قران و سنت، ص ۱۵۳) / زنی را قرآن تعلیم می دادم پس به چیزی با او شوخی کردم. سپس نزد ابی جعفر رفتم. ایشان فرمود: چه چیزی به آن زن گفتی؟ رویم را پوشاندم. حضرت فرمود بسوی او باز نگرد.

روایت تأمل برانگیز است زن برای تعلیم و فراگرفتن دانش و دریافتن حقایق قرآن در اجتماع حضور یابد و در محضر مردی نامحرم با تحفظ و حجاب بنشیند اما شوخ طبعی و پا فرا نهادن از معیارها چرا؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: " و من فاکه امراه لایملکها حبیبه الله بکل کلمه کلمتها فی الدنیا الف عام " (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۲) / هر کس با زن نامحرمی شوخی کند در برابر هر کلمه ای که در دنیا ادا نموده هزار سال زندانی می شود.

"قول معروف (گفتار نیک و شایسته) معنی وسیعی دارد که علاوه بر آنچه گفته شد هرگونه گفتار باطل و بیهوده و گناه آلود و مخالف حق را نفی می کند." (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۹)

راغب اصفهانی، محمد بن حسین، مفردات، انتشارات دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۱۷، چاپ دوم

سویزی، مهری، چرایی عفاف و حجاب، ناشر امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷، ش ۱

بند چهارم: پرهیز از مصافحه با نامحرم^{۲۲}

یکی دیگر از انواع حجاب ها و پوشش ها، حجاب و پوشش در ارتباط بدنی است. ارتباط های بدنی در خصوص دو جنس مخالف نامحرم (به استثنای زن و شوهر) به دلیل جاذبه های جنسی شهوانی و آسیب زایی غریزه جنسی نکوهیده و ناشایست است.

لذا در احادیث وارده از دست دادن زن و مرد نامحرم با یکدیگر نهی شده است.

" پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از زنان بیعت گرفت ولی با آنها مصافحه نکرد دستور داد ظرف آبی آوردند دست خود را در آن فرو برد و دستور داد زنان دست خویش را در آب فرو برند همین را بیعت شمرد. عایشه گفت هرگز دست پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در همه عمر، دست یک زن بیگانه را لمس نکرد." (مطهری، مسأله حجاب، ص ۲۰۶)

روایت از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: دست دادن به زن جایز نیست مگر این که آن زن از محارم مانند خواهر، دختر، عمه، خاله یا دختر خواهر و مانند اینها باشد. اما دست دادن با زن نامحرم که ازدواج با او حلال است، جایز نیست و فقط دست دادن با زن نامحرم از روی لباس و پوشش مانعی ندارد ولی نباید دست او را فشار داد. (گروه پژوهش مؤسسه جهانی سبطين، پوشش در اسلام، ص ۳۳)۲۳

بنابراین تماس های جسمی بین زن و مرد نامحرم، هر چند اندک از نظر اسلام حرام و گناه بزرگی محسوب می شود. حتی اگر فقط مصافحه (دست دادن) با نامحرم هر چند فامیل آشنا و بدون هیچ قصد سوئی باشد.

بند پنجم: عفاف زنان در گفتار^{۲۴}

خداوند در قرآن کریم به خصوص در سوره الرحمن نعمت های زیادی را که به انسان عطا فرموده یادآوری می کند بالاترین این نعمت ها پس از آموختن قرآن و آفرینش انسان آموختن بیان است و می فرماید: "الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ"، (الرحمن، ۴-۱) / خدای رحمان، قرآن را تعلیم داد، انسان را آفرید، به او بیان آموخت.

بیان از نظر لغوی معنای گسترده ای دارد و به هر چیزی گفته می شود که مبین و آشکار باشد.

(راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۷) البته نطق و سخن را شامل نمی شود بلکه کتابت و خط و انواع استدلالات عقلی و منطقی که مبین مسائل مختلف و پیچیده است همه در مفهوم "بیان" جمع است. در چند شاخص این مجموعه همان «سخن گفتن» است. با توجه به اینکه این نعمت "بیان" در زبان انسان متجلی می شود زبان و گفتار نقش مهمی در سعادت و خوشبختی دارد و در عین حال همانند سایر نعمت ها دارای آفات فراوانی است که علمای اخلاق ذکر کرده اند.

سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰، چاپ سوّم.

طباطبایی، محمد حسین، میزان، ج ۱، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۰، چاپ چهارم.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۰، چاپ دوّم.

در جریان هجرت حضرت موسی علیه السلام از مصر به سوی شهر مدین در ایام جوانی، قرآن کریم از دو دختری سخن می گوید که به خاطر سالخوردگی پدر پیرشان مجبور بودند خودشان گوسفندان را از آب چاه مدین سیراب نمایند؛ اما تا زمانی که مردم در کنار چاه در حال آب دادن به چارپایان شان بودند، به سبب حیا و عفتی که در وجودشان قرار داشت، در گوشه ای به انتظار می ماندند؛ چنانکه وقتی موسی علیه السلام به نزد آنان رفت و علت دوری گزیدن ایشان را جویا شد، در جواب گفتند: «لا نسقی حتی یصدر الرعاء»؛ (قصص: ۲۳) «ما گوسفندان خود را سیراب نمی کنیم تا چوپانان همگی [حیوانات خود را آب دهند و] خارج شوند.»^{۲۵}

آنگاه حضرت موسی علیه السلام با روحیه جوانمردی با آنکه خسته و گرسنه از سفر طولانی اش بود، به پیش رفته و از چاه آب کشیده، گوسفندان آن دو را سیراب نمود و سپس به زیر سایه دیواری پناه برد. آن دو دختر با ایمان و عقیق که در حریم پاک و بهشتی پدری چون شعیب نبی علیه السلام پرورش یافته بودند، به خانه برگشته، ماجرا را برای پدر تعریف کردند و به توصیه حضرت شعیب علیه السلام یکی از دختران به نزد موسی علیه السلام بازگشت تا دعوت پدر را برای دیدار و گرفتن مزد سیراب کردن گوسفندان ابلاغ نماید.

در این صحنه نیز قرآن کریم به صفت حیای آن بانو تأکید می ورزد و می فرماید:

«فجاءته احداهما تمشی علی استحياء»؛ (قصص / ۲۵) «ناگهان یکی از آن دو [دختر] به سراغ او آمد، در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت». و این به فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله همان دختر بزرگتر، یعنی صفورا بود که بعدها به همسری حضرت موسی علیه السلام در آمد. (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۴۳، ص ۳۲)^{۲۶}

بنابراین، صفورا و خواهرش از بهترین نمونه ها و الگوهای قرآنی در زمینه حیا و عفت هستند که بهره مندی ایشان از این صفت، نشان دهنده ایمان عمیق آنان می باشد؛ چرا که به بیان امام صادق علیه السلام کسی که فاقد حیا باشد، از داشتن نعمت ایمان بی نصیب است: «لا ایمان لمن لا حیا له.» (حر عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۱۶۶)^{۲۷}

لازم است انسان حق این نعمت الهی را به جا آورد و در سخن گفتن بیندیشد کلام و سخن خود را همراه با عفت و حیا و ادب ادا کند چرا که خداوند می فرماید: "ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم" (التكاثر / ۸) [پس از آن سؤال می شوید در آن روز از نعمتهای الهی]. خداوند در آیات متعددی دستور به قول معروف و احسن داده است و می فرماید: "وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا." (الاسراء / ۵۳) / و به بندگانم بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند زیرا شیطان میان آنان [به سبب سخنان زشت و بی منطق] دشمنی و نزاع می افکند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است.

"خطاب آیه به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و منظور از "عبادی" مؤمنین می باشند." (طباطبایی، محمدحسین، همان، ج ۱۳، ص ۱۶۱)^{۲۸}

عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۰، چاپ چهارم.

عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۰، چاپ چهارم.

عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۰، چاپ چهارم.

برخی از مفسران عبارت «يقولوا التي هي احسن» را فقط به محتوای سخن ارتباط داده اند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ج ۱۲ ص ۱۷۵) "کلام احسن" شامل هر نوع سخن شایسته است، همچون: سلام، دعا، ارشاد، اظهار محبت، امر به معروف و نهی از منکر، ذکر خدا، توبه و استغفار و امثال آن. (قرائتی، تفسیر نور، ج ۷ ص ۷۵) ۲۹

اینجاست که قرآن کریم با بیانی لطیف، اینگونه بیان می فرماید:

"وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ" بهترین از نظر محتوی، بهترین از نظر طرز بیان، و بهترین از جهت توأم بودن با فضائل اخلاقی و روشهای انسانی. (مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ج ۱۲، ص ۱۵۷)

" خداوند در ادامه به دلیل و حکمت این امر اشاره می فرماید: چرا که اگر مؤمنین "قول احسن" را ترک گویند شیطان در میان آن فساد و فتنه می کند. می توان گفت یکی از موارد و مصادیق قول به معروف را شیوه قرآن در بیان مواردی که نیاز به بیان اعمال قبیح و زشت یا مواضع عورت بوده است، بر شمرد. قرآن در این زمینه از شیوه کنایه گویی بهره برداری می کند. برخی کنایه را یکی از گونه های بلاغت و روشهای فصاحت بر می شمرد و در معنای کنایه می گوید لفظی که معنای لازم آن در نظر باشد یعنی گوینده لفظی را به کار می برد و منظور از آن لفظ معنای نزدیک به ذهن نیست بلکه معنای دیگری در نظر دارد." (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۰۲)

خداوند تعالی در قرآن از این روش استفاده کرده و از آوردن واژگان زشت و شرم آور، واژه هایی که با سرشت آدمی و عقل سلیم سازگاری ندارد خودداری فرموده به این دلیل که ذکر واژگانی که صریح و در معنای مرتبط با مسائل جنسی هستند می توانند محرک قوای شهوانی باشند. ۳۰

بنابراین هرگونه کلامی که همراه با ناز و غمزه باشد و زمینه گناه را فراهم آورد ممنوع است و از حوزه عفاف خارج می باشد. توصیه دیگر اسلام این است که صدای خود را به هنگام سخن گفتن بالا نبریم. همانگونه که در سوره لقمان می فرماید: "اغضض من صوتک" از توصیه های لقمان حکیم به فرزندش این است که [صدای خود را کوتاه کن].

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در این باره می فرماید: "ان الله تعالی یبغض الفاحش المتفحش" (تنکابنی، نهج الفصاحه، ص ۵۰۲ حدیث ۷۴۴) خداوند شخص بدگو و بد زبان را دشمن دارد. در جای دیگری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: "ما کان الفحش فی شیء قط الا شاناه و لا کان الحیاء فی شیء قط الا زانه" (همان، ص ۵۰۲ حدیث ۷۴۴، ۵۰۳) بدی و بد زبانی در هر چه باشد یک نوع از بی عفتی در گفتار، ادای سخن زشت است. آن را خوار کند و حیا در هر چه باشد آن را زینت دهد. درباره قول نیکو نیز می فرمایند: "ثلاث من ابواب البر سخاء النفس طیب الکلام و الصبر علی الاذنی" (همان، ص ۵۵۳) / سه چیز از لوازم نیکو کاری است: جانبازی و نیکی گفتار و صبر در آزار. " بنابر این، عفت در گفتار بطور

فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ بوستان کتاب، ۱۳۸۶

فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ بوستان کتاب، ۱۳۸۶

قرائتی، محسن، تفسیر نور، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهلبیت، ۱۳۸۸، چاپ سوّم

ویژه درباره زنان و تعامل آنان با نامحرم وقتی محقق می شود که به عمد در صدای خود نازکی و عشوه ایجاد نکنند و بطور معمول سخن گویند.^{۳۱} (امین، مخزن العرفان، ج ۰، ص ۲۲۶)

اسلام با توجه به سلامت جامعه و برای جلوگیری از ایجاد زمینه های فساد برای حضور زن در اجتماع شرایطی قائل شده است که یکی از آن موارد محتوا و چگونگی گفتار با حفظ عفاف می باشد. بنابراین کلامی عقیف است که هم از نظر محتوا و هم از نظر شیوه بیان قرین عفت باشد. همانگونه که سخن سبک و تحریک کننده بر زبان آوردن مصداق و نماد بی عفتی در کلام است. بیان شیوای قرآن کریم در مورد زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این چنین آمده است: " خداوند بعد از آنکه علو مقام، و رفعت منزلت همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به خاطر انتساب شان به آن جناب بیان نموده، این علو مقامشان را مشروط به تقوی نموده، و فرموده که فضیلت آنان به خاطر اتصالشان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست، بلکه به خاطر تقوی است، اینک در این جمله " فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ " ایشان را از خضوع در کلام نهی می کند، و خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه، و خیال های شیطانی نموده، شهوتش را بر انگیزانند، و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد، و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می دارد. در این آیه، هم به کیفیت سخن گفتن با نامحرم اشاره شده و هم به محتوای کلام، محتوای کلام باید قول معروف باشد یعنی سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را بپسندد و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند " (طباطبایی، همان، ج ۱۱ ص ۳۰۹) " از بیان «فلا تخضعن بالقول» اشاره به کیفیت سخن دارد، یعنی به هنگام سخن گفتن جدی و معمولی سخن بگویید. «با توجه به ادامه آیه این چنین بدست می آید که هم محتوای کلام زن و هم آهنگ و لحن نیابستی تحریک کننده و التهاب آور باشد و این حکم مخصوص زنان آن حضرت نیست. ذکر آن در اینجا برای آن است که آنها بیش از دیگران باید این حکم را مراعات نمایند یعنی با ناز و عشوه سخن نگویند تا مریض القلب ها به شما طمع نکنند بلکه سخن به معمول بگویید " (سویزی، چرایی عفاف و حجاب، ص ۳۳۳)^{۳۲}

" به هنگام سخن گفتن جدی و بطور معمولی سخن بگویید و همچون زنانی که سعی دارند با تعبیرات تحریک کننده که گاه توأم با ادا و اطوار مخصوص است که افراد شهوتران را به فکر گناه می افکند سخن نگویید " (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۸۸)^{۳۳}

اسلام برای حفظ شخصیت زن و حرمت و جایگاه او در نزد خدای متعال است که او را در هاله ای از نور می خواهد نگاه دارد و الا زن با توجه به رعایت موازین اسلامی و حدود الهی می تواند در جامعه حاضر شده و به فعالیت های سیاسی اجتماعی بپردازد. در اینجا نگاهی بیندازیم گذرا بر رفتار حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) در مجلس بیداد یزید که به اهمیت حجاب اشاره می کرد و با ندای رسا اعلام فرمود: "امن العدل یابن الطلقاء تحذیرک حرائرک و اماتک و سوفک بنات رسول الله سبایا قد هتکت سترهن و ابدیت وجوههن تحذوبهن الاعداء من بلد الی بلد و یستشره من اهل المناهل." (پاک نیا تبریزی، نگاهی به

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات مکتبه الصدوق، تهران، ۱۴۰۶، چاپ سوم

مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، نشریه انجمن اسلامی، ۱۳۵۳ ش

مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، نشریه انجمن اسلامی، ۱۳۵۳ ش

خطبه های حضرت زینب (س)، ص ۳۲) که آیا معنای عدالت در قاموس اهل باطل این است که فرزند "طلقاً" آزادشدگان " زنان و کنیزان خود را در بین پرده و حجاب نگه دارند اما دختران رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را هتک حرمت کنند و آنان را در کوچه و بازار به عنوان اسیر جنگی بگردانند؟

خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریبه و خیال های شیطانی نموده شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد و منظور از بیماری دل نداشتن نیروی ایمان است. «قلن قولاً معروفاً» یعنی سخن معمول و مستقیم بگویید. سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را پسندیده دارد و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند. (طباطبایی، همان، ج ۱۶، ص ۵۰۹) ۳۴

در اینجا اگر بخواهیم عبارت "تبرج جاهلی" را با توجه به فضای سیاسی ترجمه کنیم باید به این نکته توجه کنیم که زنانی که موقعیت خاص سیاسی در جامعه داشته اند با خودنمایی در جامعه موجب تحولات سیاسی خاصی می شده اند. (مانند نقش آنها در تهییج و ترغیب جنگاوران) به نظر می رسد که خداوند زنان پیامبر را از ایفای چنین نقش هایی بر حذر می دارد. به این ترتیب جاهلیت اولی یعنی جاهلیت پیش از اسلام که زنان برجسته جامعه با خود نمایی از موقعیت خود سوء استفاده می کردند. توجه به این نکته جالب است که چنین جاهلیتی و چنین سوء استفاده هایی پس از اسلام نیز اتفاق افتاد. بنابراین خداوند با آوردن کلمه جاهلیت اولی خبر از جاهلیت دومی می دهد که پس از اسلام اتفاق می افتد. (صالحی، پژوهشهای قرآنی، ص ۱۶۶) ۳۵

واضح است که فعالیت های اجتماعی زنان و حضور آنان در عرصه های مختلف، زمینه تعادل و ارتباط بین زن و مرد را بیشتر کرده است. در پرتو حضور اجتماعی، بسیاری از استعدادها و قابلیت ها به فعلیت می رسد، تعلیم و تعلم، توسعه، تکنولوژی و بالارفتن فهم سیاسی و آگاهی از زمان محقق می شود و همچنین در سایه فعالیت اجتماعی، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عملی می گردد. از این رو یکی از انگیزه های دعوت به مشارکت اجتماعی زنان، بالا رفتن شخصیت علمی، معنوی و اجتماعی آنان است که بدون این حضور انجام این مهم دست یافتنی نیست و یا با دشواری و مشقت همراه است و از دیدگاه اسلام، این روابط، همواره دارای آداب و شرایطی است که آن را عفت در روابط اجتماعی نامیده اند.

از نظر امام خمینی شرط اصلی در برقراری هرگونه رابطه ای، مکالمه و گفتگو است. به گونه ای که اگر گفتگو تجویز نشود، تقریباً ارتباط، به صورت بی معنا و لغو در می آید. از دیدگاه فقهی و متون دینی، صرف گفتگو میان زن و مرد نامحرم ممنوعیتی ندارد؛ اعم از این که گفتگو درباره مسائل علمی، سیاسی یا درباره مسائل معمولی، عادی و روزمره باشد. امام خمینی می فرماید:

«اقوا این است که شنیدن صدای زن نامحرم در صورتی که با تلذذ و ریبه نباشد، جایز است و نیز برای زن جایز است، در صورتی که خوف فتنه ای نباشد، صدای خود را به مردان نامحرم بشنوند... جمعی به حرام بودن شنیدن صدای زن و شنوندن آن قائل شده اند، اما این قول ضعیف است؛ البته بر زن حرام است که با مردان به گونه مهیج شهوت، گفتگو کند؛ یعنی صدای

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۸، چاپ چهارم^۱

موسوی الخمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، چاپ سوم^۲

خود را نازک و لطیف و زیبا کند تا دل‌های بیمار به طمع بیفتند.» (ر.ک: تحریر الوسيله (ترجمه فارسی)، ج ۲، ص ۲۵۳، مسأله ۳۶(۳۹)

بررسی چگونگی تسلط زنان در مهارت مسئولیت پذیری و عدم مسئولیت پذیری

بی وفایی دلیل اصلی طلاق

عدم مسئولیت پذیری زوجین نیز در اغلب پرونده‌ها مشاهده می‌شود تا جایی که فرد هر چند ازدواج کرده اما متاسفانه رفتار وی به شکلی است که تعهدی نپذیرفته است. با ابراز تاسف از اینکه فرد در دوران نامزدی روابط سابق خود را حفظ می‌کند، این در حالی است که حلقه ازدواج به معنی تعهد و تنصیف جان و مال است. وی فقد مهارت های ارتباطی زوجین و اختلالات روانی و جنسی را از دیگر دلایل طلاق عنوان کرد به عنوان مثال در برخی پرونده‌ها مشاهده می‌شود که پارادایم های فکری زوجین همخوان نیست و در حالی که یکی به روابط سنتی معتقد است دیگری به روابط آزاد اعتقاد دارد.^{۳۷}

تاثیر فضای مجازی و آشنفتگی زوجین

با بیان اینکه بخشی از کاهش مسئولیت پذیری به استفاده نادرست از فضای مجازی و روابط آزاد مرتبط است، متاسفانه این معضل در بین زنان نیز دیده می‌شود. این اظهارات مورد تأیید مشاور خانواده نیز هست. بخشی از دلایل درخواست طلاق زوجین به عدم مسئولیت پذیری و روابط آزاد مرتبط است.^{۳۸} این موضوع موجب می‌شود تا بدبینی و بی اعتمادی بین زوجین شکل گرفته و در عین حال به مرور زمان عدم صداقت و بی قیدی به وجود آید. در برخی مراجعات شنیده می‌شود که مرد یا زن ادعا می‌کنند روابط آزاد ارتباطی به زندگی مشترک ندارد و حق دارند دوستان اجتماعی از جنس مخالف داشته باشند اما این در حالی است که هر ارتباطی باید چارچوب و قاعده خود را حفظ کند. مشاور خانواده با بیان اینکه به عنوان مثال زنی که یک همکار مرد دارد نباید اجازه تماس به وی در تمامی ساعات روز را بدهد، اضافه کرد: اغلب افرادی که اعتقاد به روابط آزاد دارند با چنین دلایلی بی محلی و یا بی توجهی خود را توجیه می‌کنند. همچنین نباید از تاثیر دخالت خانواده‌ها و خشونت نیز غافل شد. در برخی مراجعات مشاهده می‌شود که یکی از زوجین به شدت تحت تاثیر نظرات والدین، اطرافیان و حتی دوستان خود است و بر اساس نظر آن‌ها با همسر خود رفتار می‌کند. گاهی به دلیل دسترسی به افراد در فضای مجازی این شخص سوم ممکن است به لحاظ فیزیکی در ارتباط نباشد اما از طریق ارتباط مجازی حتی در کوچک ترین مسائل خانواده مداخله کند.^{۳۹}

موسوی الخیمینی، روح الله، (۱۳۸۹) صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ششم.^۳

ستوده، ه. ا. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات ندای آریانا.^۳

صفایی‌راد، س. و وارسته‌فر. ا. (۱۳۹۲). «رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرف» تهران، فصلنامه پژوهش‌اجتماعی، ش ۲۰، ص ۸۵-۱۰۶.

صفایی‌راد، س. و وارسته‌فر. ا. (۱۳۹۲). «رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرف» تهران، فصلنامه پژوهش‌اجتماعی، ش ۲۰، ص ۸۵-۱۰۶.

توقعات واهی زوجین از یکدیگر

اظهارات مسئولان و کارشناسان در حالی حال و هوای کدری از روابط زوجین را نشان می دهد که در گفتگو با چند تن از شهروندان در آستانه طلاق نه تنها فقدان مهارت و برقراری رابطه لمس می شود بلکه زوجین به سمت انتظارات واهی از هم رفته اند. بعد از یک سال از دوران نامزدی به اختلاف های فکری با همسر رسیدیم. بطوریکه وی انتظار داشت برای تمامی اتفاقات و رویدادهایی مانند سالگرد ازدواج، تولد، روز زن و غیره مهمانی های آنچنانی برگزار کند. بنده به سختی توانستم صاحب شغل و کمی پس انداز شوم و درخواست های مکرر نامزدم واقعا توان فرسا شده بود تا اینکه این اختلاف ها بالا گرفت و او مهریه اش را به اجرا گذاشت. یکی دیگر از شهروندان در خصوص دلیل درخواست طلاق دخترش گفت: نامزدش به حرف ما گوش نمی کرد. هر دو بچه سال هستند و انتظار من این بود که نامزدش مطیع باشد تا من هم او را حمایت کنم. اینها نمونه هایی از روابط زوجین و دلایل بروز اختلاف و شکل گیری زمره های طلاق است که به تعبیر کارشناسان بیانگر عدم پختگی زوجین و ناتوانی در برقراری ارتباط سالم و بی توجهی به تعریف و مفهوم واقعی ازدواج است. این اظهارات در حالی است که بخش قابل توجهی از زوجین گرفتار آسیب طلاق عاطفی هستند و در حالی که زیر یک سقف زندگی می کنند اما عملا روابط حسنه ای بین زوجین برقرار نیست. معضلی که نشان می دهد تقویت و بازتعریف روابط زوجین در جامعه برای سلامت خانواده ها شوخی بردار نبوده و باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد.

در جامعه ما علل نداشتن آگاهی از نداشتن اخلاقی مناسب و اهم بالاتری از تمامی عوامل نداشتن بستر مسئولیت پذیری افراد در چگونگی حفظ ابعاد، چهارچوب و قواعد زندگی بر طلاق بدون اینکه قصد داشته باشیم که یکی را به عنوان عامل اول نام ببریم، عبارتند از:

۱- شکل گرفتن تفاوت های فردی

در قدیم زمانی که سلطه هنجاری بسیار قوی بود انسان ها از حیث خلق و خوی و رفتار به هم شبیه بودند. زن و مرد، همسر ایده آل برای یکدیگر بودند. الآن تفاوت های فردی بسیار زیاد شده است. ارزش ها، نگرش ها، خواسته ها، انتظارات و نیازهای افراد خیلی متفاوت شده است. ما در عصری زندگی می کنیم که یکی از دستاوردهای آن، شکل گرفتن تفاوت های فردی است. زمانیکه انسان ها متفاوت شدند این بدین معناست که انتظارات، خواسته ها و تمایلاتشان هم متعدد می شود و پیدا کردن کسی که با این تنوعات نزدیک و هماهنگ باشد بسیار دشوار است.

۲- دخالت اطرافیان

عامل دیگر ایجاد تنش در میان خانواده هاست که عمدتاً از سوی والدین و خواهر و برادرها صورت می گیرد.

۳- مسایل اقتصادی:

صفرپور، ش. (۱۳۹۵). نقش تعارض های زناشویی در پیش بینی طلاق عاطفی در مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

عامل سوم اختلافات به شمار می آید. یا مرد معتقد است که همسرش ولخرج است و یا زن فکر می کند که همسرش خسیس یا ولخرج است و یا شاید هم بحث ولخرجی نباشد اما کشش مسایل اقتصادی به این اندازه است که ایجاد مشکل می کند.

۴- اعتیاد

عامل دیگر در بالا رفتن آمار طلاق، است که روی درآمد، فرزندان و روابط عاطفی افراد خانواده تأثیر می گذارد.

۵- **زندگی با یکی از نزدیکان:** می تواند از موارد مشکل زا باشد. (پدر، مادر، خواهر، برادر و ...) که باعث می شود توجه یکی از زوجین به فردی غیر از همسر معطوف شود و از خانواده خود غفلت کند.

۶- معاشرت با دوستان

یکی دیگر از عوامل طلاق است. برخی از مردان تمایل دارند که اوقات فراغت خود را جدای از خانواده به سر ببرند.

۷- خیانت

یکی از عوامل بسیار مهم در امر طلاق، رابطه نامشروع و خیانت یکی از زوجین است. در گذشته این مسئله کم بود اما در حال حاضر بستر معاشرت های اجتماعی برای برقراری این ارتباطات زیاد شده است. اگر چه قبح رابطه نامشروع در کشور ما بسیار بالاست اما این قبح در حال کم شدن است. این کم شدن قبح رابطه نامشروع و فراهم بودن بستر برای برقراری چنین رابطه ای، از جمله عوامل طلاق است. اگر چه در برخی موارد ممکن است که مرد با ازدواج موقت، با فرد دیگری ارتباط داشته باشد اما چون ارتباط، پنهانی و بدون اطلاع همسر است، ایجاد نگرانی و استرس می کند. متأسفانه بستر گناه در جامعه ما در حال افزایش است و روز بروز هم بیشتر می شود. اینکه خانم ها خیلی راحت از منزل بیرون می آیند، راحت کار می کنند، راحت خرید می کنند، شرایط را به گونه ای فراهم کرده که گاهی اوقات زنان متقاضی ایجاد ارتباط هستند و این خود شرایط را برای گناه و معضلات رابطه نامشروع فراهم می کند.

۸- گرایشات فمینیستی^{۴۲}

در ایران یکی دیگر از عوامل افزایش طلاق است. اگر چه در برخی گرایشات احقاق حقوق زنان در ایران، حقانیتی وجود دارد؛ چرا که زنان ایرانی در بسیاری از مواقع حقوقشان پایمال می شده است اما گرایشات افراطی فمینیستی در ایران تنها به دنبال احقاق حق نیست بلکه خود این جریانات به مشکلات دامن می زند. آموزه های فمینیستی، سازگاری با مرد اعم از همسر، برادر، پدر، همکار و حتی زیردست را کاهش می دهد. فمینیست ها، همکاری، همفکری، مشارکت و تعاون با مردان را بر نمی تابند و از مردان غولی ساخته اند که گویی همواره به دنبال تجاوز به حقوق زنان هستند و تفاوتی هم نمی کند که آن مرد پدر، همسر، برادر یا هر مرد دیگری باشد.

رواج زندگی های جنسی خارج از چارچوب اخلاقی و شرعی در پی افزایش طلاق اخلاقی

عبداللهی، م. (۱۳۹۲). «طلاق عاطفی، مفاهیم و نمادها»، فصلنامه مطالعات خانواده، ش ۲۵۵، ص ۱۸؛

چیستی فمینیسم؛ ترجمه محمدرضا زمردی؛ انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

بیشترین طلاق اخلاقی در سه تا چهار سال اول ازدواج

این روانشناس اجتماعی با بیان اینکه بیشترین طلاق اخلاقی در سه تا چهار سال اول ازدواج اتفاق می افتد خاطر نشان کرد: سردی رابطه میان زن و شوهر سبب تضعیف ارتباط عاطفی میان زوجین می شود که در این صورت زوجها با یکدیگر بیگانه می شوند و تنها حکم یک هم خانه را پیدا می کنند که از لحاظ روحی و جسمی خط و مرزهایی را برای یکدیگر تعیین می کنند که این امر به طور قطع موجب کم رنگ شدن علائق، مسوولیت و در نهایت طلاق شناسنامه ای می شود.

نرخ طلاق اخلاقی بین زوج های ایرانی بسیار بیشتر از جوامع دیگر است

متاسفانه نرخ طلاق اخلاقی بین زوج های ایرانی بسیار بیشتر از جوامع دیگر است چرا که ازدواج در جامعه ما یک موضوع عرفی و فرهنگی است. بر این اساس خانواده ها مسئله طلاق را امری ناپسند و پایانی ترین راه برای نجات از بحران می دانند، بنابراین زندگی در چنین شرایطی آسیب های خانوادگی، اجتماعی و فردی نظیر اختلافات خانوادگی، خشونت، پر خاشگری، بی اعتمادی، افسردگی، اضطراب، تنش، عصبانیت، خیانت، بی اخلاقی، تفکرات منفی، اعتیاد و طلاق در جامعه را افزایش می دهد.^{۴۳}

رواج زندگی های جنسی خارج از چارچوب مسوولیت پذیری در پی طلاق عاطفی

پدیده طلاق در هر دو صورت اخلاقی و مسوولیت پذیری آسیب های بسیار جبران ناپذیری برای فرد و اجتماع به همراه دارد در واقع در صورت ادامه زندگی با وجود طلاق اخلاقی، زندگی های جنسی خارج از چارچوب اخلاقی و شرعی است افزایش می یابد و در طلاق ثبتی نیز از آسیب های اجتماعی ناشی از آن در امان نخواهیم بود.^{۴۴}

تسلط فضای مجازی در اثر رشد روز افزون تکنولوژی ها، روزمرگی، مشغله های اقتصادی، ناآشنایی زوجین با شیوه های صحیح مهارت های ارتباطی، رواج بی اعتمادی بین زوجین، بدبینی، سوء ظن، بی مسوولیتی، نداشتن تفریحات سالم، ازدواج زودرس و ناخواسته یا ازدواج غلط، عدم درک متقابل زوجین، نداشتن شناخت کافی از روحیات طرف مقابل از دلایل بروز طلاق عاطفی بین زوجین است.

راه حل های جدی برای معطل طلاق در جامعه

تغییر ذهنیت برای پیشگیری از طلاق^{۴۵}

مراجعه به مشاوره ازدواج مثل مراجعه به پزشک است. شما حتی اگر حالتان خوب باشد سالانه به پزشک مراجعه می کنید و موضوعی مهم برای شما است چون نمی خواهید دچار بیماری و مشکلات دیگر شوید. حفظ ارتباطی سالم با همسر و جلوگیری از طلاق مستلزم توجه و تلاش است. عوامل فرهنگی و شخصی متفاوتی وجود دارد که مراجعه به مشاوره ازدواج را بدنام کرده

عظیمی، ر. م. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی ایران، ۳، ش ۱۰، ص ۳۱-۴۶.

محمدی، ز. (۱۳۸۳). بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۷۰ و ۸۰، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان؛

لوح مبارک ۱۴ شهرالرحمة سنه ۹۵ خطاب به محفل روحانی ملی ایران؛

است. اگر شما هم سعی در نجات زندگی مشترکتان دارید یا سعی دارید همسران را برای طلاق نگرفتن و طلاق ندادن قانع کنید نکات زیر را دنبال کنید.

به حرف های شریک زندگی تان گوش دهید^{۴۶}

هر وقت ازدواجی شکست می خورد هر دو طرف مشکلاتی دارند که باید به آن رسیدگی کنند. اینجاست که مشاوره ازدواج نقش مهمی در نجات ازدواج از طلاق بازی می کند. مشاوره جداگانه به زن و شوهر در ازدواج درمانی احتمالا منجر به حل شدن موقت مشکلات می شود چون هر دو طرف برای پیدا کردن راهی برای بهبود ارتباطشان به کمک احتیاج دارند. گاهی اوقات فقط خوب گوش دادن به طرف مقابل می تواند به شما کمک کند بفهمید مشکل ارتباطتان چیست و حتی متوجه شوید فرد مقابل چه توصیه هایی برای جلوگیری از طلاق دارد. شکست در یک ارتباط اغلب ریشه در مشکلات ارتباطی دارد و به همین دلیل حل کردن این مشکلات می تواند در نجات دادن یک ازدواج فوق العاده مفید باشد. گوش دادن به حرف های همسران به شما درکی از چگونگی احساسات او می دهد و وقتی مشکلات ارتباطی شما واضح و روشن پیش چشم شما باشد حل آنها خیلی آسان تر می شود و این موضوع در مرکز راه حل های جلوگیری از طلاق قرار دارد.

احساسات خود را بیان کنید^{۴۷}

علاوه بر گوش دادن به حرف های همسران برای درک احساسات او باید توانایی بیان احساسات خودتان را هم داشته باشید تا همسران بتواند دیدگاه شما را درک کند. بیان ناکامی ها و مشکلات برای شخصی که بیشتر از هر کسی دوستش دارید و برایتان عزیز است اصلا کار آسانی نیست، به همین دلیل است که مشاوره ازدواج کسی است که می تواند میانجی شما و همسران شود، در این تغییر و تعدیل ها دست داشته باشد و ضمن منطقی نگه داشتن بحث بین شما و همسران به شما برای به زبان آوردن افکار و احساساتتان اعتماد به نفس بدهد. شما نباید هیچ وقت به همسران بی احترامی کنید یا ارزش او را پایین بیاورید چون با این کار فقط خصومت و نارضایتی بین خودتان را بیشتر می کنید. ازدواج درمانی برای کار کردن روی مشکلاتی که با همسران دارید طراحی شده؛ این کار تجزیه تحلیلی است و هیچ رویکرد انتقادی در کار نیست. نجات دادن ازدواج از طلاق به عوامل بسیاری بستگی دارد اما توانایی گوش دادن و بعد به اشتراک گذاشتن احساسات می تواند به مورد ملاحظه قرار دادن مشکلات ازدواج کمک کند. مشاوره ازدواج جای خوبی برای انجام این کار است چون مشاوره های ازدواج نقش راهنما را در بحث بین شما و همسران ایفا می کنند.

کتاب احکام، معارف مقدماتی، صفحه ۱۵ و ۱۶

امامی و صفایی، ص ۹۷۹

برای سازگاری با یکدیگر تلاش کنید^{۴۸}

درست مثل هر ارتباط دیگری، سازگاری نقشی اساسی در موفقیت یا شکست نهایی بازی می کند. نجات دادن ازدواج از طلاق هم به این بستگی دارد که هر یک از طرفین چقدر به سازگاری با دیگری تمایل دارد. در عین حال همسر شما هم باید پذیرای ایده ها و دیدگاه های شما باشد. با تمایل دو طرف به انعطاف پذیر بودن نسبت به احتیاجات دیگری یک حد وسطی در ارتباط پیش می آید که دو طرف می توانند با این سازگاری و انعطاف پذیری از بازدهی که ارتباطشان دارد خوشنود باشند. یک مشاور ازدواج می تواند در این مسیر نقش راهنما را داشته باشد. دوام ازدواج به توانایی هر دو طرف برای کنار گذاشتن تمایلات و خواسته های شخصی شان و رسیدگی به خواسته های دیگری در حد معقول تکیه دارد. اولویت قرار دادن بلندپروازی های خود در ازدواج فقط به ناراحت کردن و سرکوب کردن شریک زندگی تان منجر می شود. بنابراین جلوگیری از طلاق دو نفر فقط به این بستگی دارد که زوج در این ازدواج خوشحال باشند.

از سرزنش کردن همسرتان دست بردارید^{۴۹}

سرزنش نکردن همسرتان یکی از جنبه های نجات ازدواج از طلاق است. انگشت گذاشتن روی عیب های همسرتان فقط باعث می شود احساس کند بیشتر از قبل از شما دور و جدا شده و در نتیجه نخواهد زندگی مشترکتان را بهتر کند. یک کلیشه قدیمی هست که می گوید رقص تانگو دو نفر لازم دارد و در مورد شکست در ازدواج این گفته بسیار صدق می کند. خیلی کم پیش می آید که در ایجاد مشکلات در ازدواج فقط یک نفر مقصر باشد. هر دو نفر در یک ارتباط اغلب شکایاتی دارند که فکر می کنند دلیل آن ضعف ارتباطی یا انتظارات غیر واقع بینانه طرف مقابل است. سرزنش کردن همسرتان برای هر مشکل نتایج زیانباری بر خلاف انتظار شما دارد و به ترمیم ارتباطتان هیچ کمکی نمی کند.

اگر لازم است زمانی را جدا از هم بگذرانید^{۵۰}

متناسب با وضعیت فعلی ارتباط شاید بد نباشد زمانی را از هم جدا باشید تا خودتان و همسرتان بتوانید به افکار و احساساتتان نظم دهید. بیشتر افراد وقتی اختلاف دارند اما نمی خواهند طلاق بگیرند متوجه نیستند جدایی در یک ارتباط دقیقاً همان چیزی است که به آن احتیاج دارند. اگر زندگی مشترکتان گاهی اوقات کاملاً استرس زا بوده کمی وقت گذرانی دور از همدیگر می تواند به ارزیابی دوباره ارزش هایتان در ازدواج و آنچه احتیاج به تغییر آن دارید کمک کند. همچنین به طرف مقابل شما وقت، تنفس و فضای برای فکر کردن می دهد. بعد از اینکه مدتی جدا از هم گذرانید ممکن است شما و همسرتان به این درک برسید که بدون هم بودن چطور است و می تواند تنها انگیزه لازم هر دو شما برای ادامه زندگی مشترکتان باشد.

ساناساریان، الیز؛ ص. ۱۴۶ تا ۱۵۳

امامی و صفایی، ۱۹۹-۴۰۰

"فروپاشی بنیان خانواده ها"؛ در غرب یا ایران؟ عصر ایران، ۲۵ دی ۱۳۹۲

بخشش و فراموشی را یاد بگیرید^{۵۱}

یکی از چیزهایی که می تواند ارزش یک رابطه را پایین بکشاند نگر داشتن اشتباهات گذشته همسران در ذهن است. هر کسی اشتباه می کند اما اینکه یاد بگیریم این اشتباهات را ببخشیم بخشی از نجات دادن زندگی مشترک در سرد و گرم روزگار است. اگر می خواهید در زندگی مشترکتان هماهنگی و توافق ایجاد کنید و از طلاق جلوگیری کنید نباید هر بار که از همسران دلخور می شوید و صدمه می بینید در گذشته کند و کاو کنید و اشتباهات او را پیش بکشید. اینکه هر روز را صفحه ای خالی و پاک از کارهای همسران در نظر بگیرید به ازدواج و ارتباط شما تازگی می دهد. هیچ کس دوست ندارد به خاطر گذشته اش به او توهین شود و همسر شما هم استثنا نیست. تمرین بخشش و فراموشی اشتباهات همسر در زندگی مشترک به بهبود و متعادل کردن ارتباط شما کمک می کند. نجات یک ازدواج همچنین به این بستگی دارد که آیا شما و همسران توانایی عذرخواهی دارید یا نه. در دنیایی ایده آل هر دو طرف در ارتباط باید بتوانند در صورت اشتباه کردن از همدیگر معذرت خواهی کنند اما اگر این اتفاق نمی افتد باید برای آینده ارتباطتان هم که شده بخشش را یاد بگیرید.

چند هدف مشترک پیدا کنید^{۵۲}

یکی از راهکارهای پیشگیری از طلاق این است که چند هدف مشترک با همسران داشته باشید. راهنمایی گرفتن از یک مشاوره ازدواج می تواند خیلی مفید باشد چون او می تواند پیشنهادهایی را به شما بدهد که برای هر دو طرف رابطه قابل قبول باشد. البته، انجام این کار به توافقات و سازش هایی نیاز دارد تا ارتباط حفظ شود و توانایی برای سازش یکی از عوامل حفظ زندگی مشترک است. اگر دیگر، چیزهای زیاد مشترکی با همسران ندارید روی اهدافی توافق کنید که برای شما و او قابل قبول باشد و به تلاش سخت نیاز داشته باشد. اگر بچه دارید یا تصمیم دارید در آینده داشته باشید موضوع خوبی است. به عبارت دیگر می توانید درباره این موضوعات که چه کسی برای نگهداری از بچه در خانه بماند و چه کسی به کارش ادامه دهد یا اینکه هر دو به کار ادامه دهید و بچه را در مهد کودک بگذارید صحبت و توافق کنید. قبل از اینکه این مسائل کلیدی به مشکل تبدیل شوند می توانید آنها را در جلسات مشاوره ازدواج حل کنید.

محبت خود را به همسران با کارهایتان نشان دهید^{۵۳}

نجات دادن ازدواج از طلاق به کارهایی هم که برای همسران انجام می دهید بستگی دارد. اگر چه ممکن است احساس کنید دوست ندارید همین الان آن را انجام دهید، انجام کاری از روی محبت برای همسران می تواند به روشن کردن دوباره ارتباطتان کمک کند. قدردانی از مهربانی، به هر کسی احساسی خوب می دهد به خصوص وقتی شخصی انتظارش را نداشته باشد. اگر همسران دیدی منفی نسبت به شما دارد این دید را با هیچ کاری انجام ندادن تایید نکنید. به جای آن، سعی کنید به همسران نشان دهید چقدر به او اهمیت می دهید و هنوز او را از جایی در اعماق وجودتان دوست دارید. همچنین نشان

^{۵۱} "فروپاشی بنیان خانواده ها"، در غرب یا ایران؟ عصر ایران، ۲۵ دی ۱۳۹۲

^{۵۲} «نسخه آرشیو شده». بایگانی شده از اصلی در ۱۶ اوت ۲۰۱۶. دریافت شده در ۲۶ آوریل ۲۰۱۳.

^{۵۳} صفائی، حسین و امامی، اسدالله. مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان، چاپ هشتم، بهار ۸۴، شابک: ۹۶۴-۷۸۹۶-۲۷-۱

دادن محبت به همسر می تواند به تغییر دیدگاه خودتان هم کمک کند چون باعث می شود از زاویه ای متفاوت به همسرتان نگاه کنید. مهربانی باید اساس هر ارتباطی باشد به خصوص وقتی برای نجات زندگی مشترکتان تلاش می کنید.

بهترین ویژگی های زن در مهارت اخلاقی و مسئولیت پذیری از باب سخنان رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)

۱- فرزندآور

در فرهنگ روایات، دختر تا زمانی که در خانه پدر به سر می برد(حسنه) است؛ این امانت الهی هرگاه پا به خانه شوهر گذاشت، به مقام همسری دست می یابد و البته پاسداری از این مقام، شرایط خاصی دارد که تحصیل آن ها مایه کمال و فضیلت زن است. سومین دوره ای که زن بعد از دوران دختری و همسری به آن منتقل می شود، دوران پر افتخار و مسوولیت ساز مادری است. مقام مادر از آن کسی است که محیط مقدس خانه را، با به دنیا آوردن و پرورش دادن فرزندان، که پاره های تن و جان او هستند، صفا و رونق بخشد؛ و روشن است که هرچه تلاش زن در این دوره مادر بودن، افزون باشد، پاداش اخروی او نیز بیشتر و تقریبش به پروردگار افزون تر است و این راز گفتار رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) است که فرزندآوری از صفات خوب زن برمی شمرد؛ چرا که این ویژگی، زن را به مقام مادر شدن ارتقا می دهد و تا آنجایش رهنمون می سازد که خود آن حضرت در گفتار دیگری می فرماید: بهشت در زیر گام های مادران است.^{۵۴}

آرامش حقیقی و معنوی زندگی با وجود فرزند صالح تقویت می گردد و هیچ گاه خانه بدون فرزند(با امکان آوردن آن) روی آرامش نخواهد دید. برای توجه به ارزشمندی زنی که فرزندآور است به این دو روایت بنگرید:

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: با دوشیزه فرزندآور ازدواج کنید، ولی با زیبا چهره نازا ازدواج نکنید، زیرا من به شما امت، روز قیامت افتخار می کنم. روایت دیگری می گوید: بدانید که زن سیاه چهره ای که فرزندآور باشد، برای من دوست داشتنی تر است از زیبای نازا. نرم خو بودن زن در محیط زندگانی مشترک در برابر شوهر، اگر از روی شناخت و اختیار و عمل به وظیفه شوهرداری باشد، خصلت پسندیده و کار ارزشمندی است. زنی که به آسانی در برابر خواسته های مشروع و معقول شوهر شکل می پذیرد و از خود مقاومتی نشان نمی دهد، صاحب فضیلت است و محیط مقدس خانه با این روحیه تسلیم و گذشت و حق پذیری، زمینه پرورش و رشد آرامش را بهتر فراهم می یابد.

۲- بسیار مهربان

محبت و دوستی و مهربانی، شاه کلید نفوذ در دل هاست. هیچ چیزی به قدر مهربانی کارآیی ندارد. درهای بسته و چهره های گرفته با این ابزار، گشوده و باز می شوند. در فرهنگ دوستی و محبت، همه چیز با معنی و پیام دار است، گاه با یک اشاره و با یک کلمه و یا جمله می توان صحنه را عوض کرد و به آسانی، در دل دیگران راه یافت. رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: بهترین زن، آن است که بسیار مهربان و صمیمی باشد. طبیعی است که منظور، به کار گرفتن این سرمایه در خدمت جذب شوهر است. محبت شوهر به همسر، خود از طبیعی ترین انواع دوستی هاست و اگر با دوستی و مهربانی سرشار از طرف زن همراه باشد، هیچ کینه و بی مهری ای برجا نمی ماند. ثمره این اظهار دوستی و صمیمیت، لبریز شدن کانون دل و فضای خانه

نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۲۹، ص ۴۹:

از آرامش و سکون است و در چنین دل و خانه‌ای، اضطراب و بی‌قراری، راهی برای نفوذ ندارد. در روایت دیگری، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یکی از صفات بدترین زنان را کینه معرفی می‌فرماید. زنی که پیوسته چشم انتظار گرفتن عیب و نقطه ضعف است، تا به وسیله آن همسرش را سرکوب و توییح و سرزنش کند، دارای یک صفت منفی و مخرب است و طبیعی است که با چنین برخوردهایی، جز ناآرامی و اضطراب، بذر دیگری در زمین زندگانی مشترک کاشته نمی‌شود. شاید یکی از عوامل شکست و افسردگی و پیری زودرس مردان، همین بی‌مهری‌ها و لجاجت‌های آگاهانه و ناآگاهانه زنان در برخورد با همسرانشان باشد. از امام صادق (علیه‌السلام) روایت است که می‌فرمایند: از دعاهای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این بود که می‌گفت: خدایا، به تو پناه می‌برم از زنی که مرا پیر کند، قبل از این که دوران پیری من فرا رسد. روشن است که پناه بردن انسان به خدا در جایی است که احساس خطر و ناامنی و گمراهی وجود دارد، شاید در وجود زنی که برای شوهرش پیری زودرس می‌آورد، ریشه‌های ناامنی، خطر و گمراهی نفوذ کرده باشد. طبیعی است که چنین زنی موفق به آرام‌سازی محیط خانه و آرامش‌بخشی به شوهر نخواهد بود.^{۵۵}

۳- در اوج پاک‌دامنی

عفت، حالتی است نفسانی که بازدارنده از غلبه شهوت است. عقیف، انسانی است که با تلاش پیگیر، به مقامی دست یافته که خود را در اختیار خواسته‌های نفسانی قرار نمی‌دهد. روح چنین شخصی، آن چنان در اوج است که به آسانی از آنچه ناپسند و نامشروع است، چشم می‌پوشد؛ اگر چه توان انجامش را دارا باشد. این مبارزه با نفس که جهاد اکبر است، چنان فضیلتی دارد که صاحب این مقام در مقایسه با مجاهد در جبهه جهاد اصغر، که مبارزه با دشمن خارجی است، از امتیاز برخوردار است. به این روایت بنگرید:^{۵۶}

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: جهادگری که در راه خدا به شهادت رسیده، پاداشش، برتر از توانگری نیست که با داشتن قدرت، عفت ورزیده است؛ دور نیست که عقیف، فرشته‌ای از فرشتگان باشد. ارزشمندی صفت عفت (با توضیحی که داده شد) برای یک زن روشن است. هر زنی لازم است که این ویژگی را در زندگی مشترک به نمایش بگذارد و از این راه، فکر و ذهن و دل همسرش را از هر نوع پندار و توهم و وسوسه پوچ احتمالی و بی‌اساس پاک‌سازی کند و زمینه پیدایش و رشد هر نوع احساس بدبینی را از میان ببرد. آرامش روانی، از آن مردی است که این ویژگی و خصلت را (که انسان را تا مرز فرشتگان اوج می‌دهد) در همسر خویش بیابد. گلخانه زندگی در فضای سالم و نشاط‌آور (عفت) شاهد شکوفایی غنچه‌های معنوی و عطرآگین اعتماد زن و مرد به یکدیگر خواهد بود. از آنجا که گام نهادن در مسیر خوبی‌ها و معنویات، نیازمند تعاون و همکاری است، یادآوری این نکته ضروری است که اگر مردی، خواهان عفت همسرش می‌باشد، باید زمینه و اسباب آن را در حد توان خویش فراهم کند. در این میان، وظیفه مرد است که به گونه‌ای آراستگی ظاهر داشته باشد و خود را ملزم به رعایت زیبایی و نظافت بداند که پیوسته برای همسرش جذاب و دلربا باشد. در این زمینه به این روایت جالب توجه کنید:

حسن بن جهم می‌گوید: امام رضا (علیه‌السلام) را دیدم که محاسن خود را خضاب (رنگ) کرده بود. پرسیدم: فدایت شوم، رنگ کرده‌اید؟! امام پاسخ داد: آری، رسیدگی به خود (تغییر شکل و هیئت دادن) از عوامل افزایش عفت زنان است، و یکی از علل

کلینی، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامیه ۱۳۹۱ق، ج ۵، ص ۴۳۲؟

حر عاملی، وسائل الشیعه، تصحیح ربانی شیرازی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۴؟

بی‌عفتی زنان این است که همسرانشان این امر را رها کرده‌اند. آنگاه امام(علیه السلام) فرمود: آیا دوست داری همسرت را به گونه‌ای ببینی که وضعیتش همانند تو باشد، در حالتی که به سر و وضع خود نرسیده‌ای؟! او جواب داد: خیر؛ و حضرت فرمود: همسر تو هم دوست ندارد که تو را بدان گونه ببیند. حضرت امیرالمومنین علی(علیه السلام) می‌فرماید: جهادگری که در راه خدا به شهادت رسیده، پاداشش، برتر از توانگری نیست که با داشتن قدرت، عفت ورزیده است؛ دور نیست که عقیف، فرشته‌ای از فرشتگان باشد.

۴- عزیز در فامیل

در مفهوم عزت، یک نوع نفوذ ناپذیری نهفته است، زمین سختی که چیزی در آن موثر نیست، دارای صفت عزت است. این حالت، همانند تمامی صفات خوب دیگر، اگر از منبع اصلی سرچشمه بگیرد پایدار و ماندنی است و گرنه زودگذر و از بین رفتنی خواهد بود. در فرهنگ قرآن، عزت حقیقی از آن خداوند و پیامبر او و مومنان است. خداوند کانون همه خوبی‌هاست و همه این خوبی‌ها از او به پیامبرش و مومنان سرایت می‌کند. ایمان، شرط اصلی عزت است و در سایه بندگی خداست که سربلندی انسان تأمین می‌شود. شاید عزیز بودن زن که در کلام رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) از ویژگی‌های زن خوب و شایسته معرفی شده است، به این معنی برگردد که ایمان حقیقی یک زن، از او در میان فامیل، چهره‌ای ساخته باشد که مورد نظر و احترام و تکریم همه و دارای عزت و سرافرازی باشد. طبیعی است مردی که این موفقیت مطلوب را برای همسرش در میان فامیل شاهد است و زنی که از این چنین جایگاه رفیعی برخوردار است، هر دو در محیط مقدس خانه، آرامش و امنیت را به وضوح احساس می‌کنند. نقطه مقابل این زن، زنی است که بر اثر سوءرفتار و گفتار و عملکردهای ناشایست و موضع‌گیری و اقدام‌های ناپسند و نابخردانه، خود را در میان فامیل و آشنایان، خوار و ذلیل کرده است. چنین زنی در روایت دیگری از رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم)، دارای خصلتی از خصال بدترین زنان است. زنی که در میان فامیل اعتباری ندارد و با چشم حقارت و خواری به او می‌نگرند، برای خود نیز شخصیت قابل اعتمادی را باور ندارد و هیچ‌گاه موفق نخواهد شد که بدون سرمایه لازم که همان عزت و متانت و موقعیت خانوادگی است، محیط خانه را محلی مناسب برای آرامش جسم و روح همسرش قرار دهد.^{۵۷}

۵- فروتن با همسر

ارزش هر صفت و عمل نیکویی در این است که آدمی آن را از روی آزادی و اختیار انجام دهد. کسی که مجبور است خوب باشد و کار نیک انجام دهد، شاید برای دیگران مفید باشد، اما امتیازی برای خود او محسوب نمی‌شود. نرم‌خویی و تواضع و فروتنی انسان نیز وقتی پسندیده و ارزشمند است که با انتخاب و آزادی همراه باشد. قرآن کریم، مومنان را از این جهت که در برابر یکدیگر خاضع و فروتن و نرم هستند، می‌ستاید و روشن است که مومن حقیقی با تلاش و مجاهدت به این خصلت پسندیده دست می‌یابد. نرم‌خو بودن زن در محیط زندگانی مشترک در برابر شوهر، اگر از روی شناخت و اختیار و عمل به وظیفه شوهرداری باشد، خصلت پسندیده و کار ارزشمندی است. زنی که به آسانی در برابر خواسته‌های مشروع و معقول شوهر شکل می‌پذیرد و از خود مقاومتی نشان نمی‌دهد، صاحب فضیلت است و محیط مقدس خانه با این روحیه تسلیم و گذشت و

مظاهری، علی اکبر، جوانان و انتخاب همسر، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ص ۱۱۵.

حق پذیری، زمینه پرورش و رشد آرامش را بهتر فراهم می‌یابد. نقطه مقابل زنی که در برابر همسر، مطیع است، زنی است که در برابر همسرش، هیچ نرمش و انعطافی ندارد و پیوسته به دنبال مقاومت و پافشاری و جبهه‌گیری در برابر خواسته‌های شوهر است. چنین زنی از دیدگاه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از بدترین زنان است. زنی که مرد هیچ‌گاه نتواند راهی برای نفوذ در دل او بیابد، هرگز نباید چشم امید به زندگانی همراه با مسالمت و صفا داشته باشد.^{۵۸}

۶- زینتگر برای شوهر

خودآرایی و تزئین، در نهاد زن قرار گرفته است، اما زن به عنوان جنس مخالف مرد، حتی اگر خود را نیاراید، باز هم جذاب و دارای کشش است. این سرمایه خداداد باید در مسیر تثبیت زندگانی مشترک به کار رود. اگر زندگی مشترک، فقط سپری نمودن چند ساعت و چند روز بود، شاید سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی، مشکل‌آفرین نبود؛ اما زندگانی درازمدت زن و شوهر باید پیوسته همراه با جاذبه عشق باشد تا هیچ‌گاه گرد و غبار بی‌میلی و بی‌اعتنایی و دل‌سردی و ناامیدی بر صفحه درخشان آن ننشیند. استفاده از زینت و آرایش، جذابیت زن را تقویت می‌کند و بر همین اساس است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یکی از صفات زن خوب را خودآرایی برای شوهر بیان می‌کند. زیرا مردی که به همسرش عشق و مهر می‌ورزد، بیگانه را به حریم دل خود راه نمی‌دهد. در این حال، بر سراسر زندگی آن دو، ابر آرامش و اطمینان سایه می‌گسترده و اینجاست که آرام‌بخش بودن گل وجود زن، مفهوم و عینیت پیدا می‌کند. اهمیت آراستگی زن برای شوهر تا آنجاست که در فرهنگ اسلام، زن با هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند درباره انجام این وظیفه در قبال همسرش بی‌اعتنا یا بی‌توجه باشد. البته شرایط مختلف زندگی مقتضی گونه‌های مختلف عمل به این وظیفه و خواهان برخورد شایسته و بایسته زن در آن شرایط می‌باشد. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: سزاوار و شایسته نیست که زن (درباره رسیدگی به سر و وضع خود و آراستن خویش بی‌عنایت باشد) و در زمینه آرایش و آراستن، خود را بازنشسته کند، اگر چه به اندازه آویختن گردنبنده در گردن باشد و شایسته نیست که زن دستش را با خضاب (رنگ با حنا) زینت نکند، اگر چه با کشیدن دست روی حنا باشد و اگر چه این زن مسن باشد (سنی از او گذشته باشد).^{۵۹}

۷- خودنگهدار در برابر نامحرم

بیشتر این چنین است که تا آدمی حریم خود را نشکند، دیگری جرئت تجاوز به حریم او را نمی‌یابد. در مرزهای جغرافیایی نیز عبور دشمن از آن قسمت که تحت حفاظت و دیدبانی نیست، آسان‌تر صورت می‌گیرد. اگر انسان درباره هر برخوردی، هیچ‌گونه عکس‌العمل و حساسیتی نشان ندهد، دیگران برای حفظ متانت و وقار و موقعیت او، کمترین اعتباری را نخواهند پذیرفت. زن، گل است؛ آن هم فقط برای استفاده صاحب شرعی و قانونی‌اش. ارزش این گل به آن است که اختصاصی است و تنها برای یک نفر به نام شوهر. غیر از شوهر، هر که باشد، ارتباط زن با او نباید به گونه‌ای باشد که زن با شوهر دارد، رعایت این امر مهم را پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از صفات خوب زن می‌داند، زن باید در برابر نامحرم، دژ و سنگر نفوذناپذیر باشد.

حر عاملی، وسائل الشیعه، تصحیح ربانی شیرازی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ص ۵۶.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۱۰۳، ص ۴۳۷.

به راستی اگر تمامی زنان با تمامی نامحرمان و بیگانگان این گونه باشند، آیا دیگر جایی برای بدگمانی و بی اعتمادی، که زمینه ساز ناآرامی و اضطراب است، یافت می شود؟!^{۶۰}

در برابر این زن، زنی است که هر نوع ارتباط صمیمی و آمیخته به دوستی و لذت بخشی را با غیر همسر داشته باشد، ولی نوبت به همسر که می رسد، جز خودنگهداری و سنگین برخورد کردن و میدان ندادن و بهانه ها و عذرهای رنگارنگ آوردن، کار و برخورد دیگری نداشته باشد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) این امر را یکی از صفات بدترین زنان معرفی می فرماید. این حالت زن و این طرز برخورد، باید برای غیر شوهر باشد. در زمینه یاد شده، ارتباط زن با غیر شوهر(نامحرمان و بیگانگان) باید همانند ارتباط یک قطب آهن ربا با قطب موافق باشد که به طور طبیعی و خودکار، عکس العملی جز دفع و دورسازی ندارد، ولی نسبت به شوهر، همانند قطب های مخالف آهن ربا باشد که به طور طبیعی، واکنشی جز جذب و کشش و اتصال ندارد.

۸- حرف شنوایی از شوهر

از صفات بسیار خوب پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) که حتی دستاویز مخالفان و دشمنان اسلام نیز شده بود، حرف شنوایی بسیار آن حضرت بود، به نحوی که می گفتند پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) فقط گوش است. این خصلت بسیار پسندیده ای است که آدمی قبل از هر نوع اظهار نظر و موضع گیری، گفتار دیگری را بشنود و نشنیده به قضاوت ننشیند. گوش، برای شنیدن است و عقل برای انتخاب بهترین و پیروی از آن؛ و خداوند در قرآن به بندگانی که چنین هستند، بشارت داده است. زن و مرد قبل از این که در کانون خانه رابطه همسری داشته باشند، دو انسان دارای ادراک و فهم هستند و باید حرف حق را از یکدیگر بپذیرند تا حق حاکم باشد، نه تمایلات و سلیقه های شخصی. زن خوب آن است که حرف شوهر را می شنود(اگر چه نوبت به او، اجرا و عمل نرسد) و این خود امتیاز است. زنی که اصلاً ظرفیت و آمادگی شنیدن حرف همسر را ندارد، از این امتیاز محروم است و از دیدگاه رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)، یک درجه از خوبی را دارا نیست. آیا میان مردی که برای حرفش در خانه گوش شنوایی سراغ ندارد، با مردی که همسرش را پیوسته شنوای سخنانش می بیند، از نظر وحی تفاوت وجود ندارد؟ آیا این شنوایی حرف همسر، تأثیری در آرامش لازم برای مرد و زندگی مشترک ندارد؟!^{۶۱}

۹- فرمان بردار از همسر

در فرهنگ قرآن کریم، مرد نسبت به زن، قوام است؛ اگر چه زندگانی زن و مرد مشترک است، اما قیام این بنای مقدس و تکیه گاه اصلی از نظر تدبیر و سرپرستی و اداره امور و اعمال مدیریت، از آن مرد است. بر این اساس، فرمان و امر به دست اوست. طبیعی است مردی که فرمان به بدی و حرام و نامعقول و ناپسند می دهد، فرمان برداری از او در این حوزه و قلمرو نیست و فرمانش مطاع نخواهد بود. زنی که در برابر فرمان شوهر، یعنی دستورهای مشروع و معقول او، فرمان بردار است، از نظر روحی آرام تر است، تا زنی که پیوسته مصمم است که حرف آخر را او بزند، اگر چه ناحق باشد و هیچ حرفی را از همسرش نپذیرد و به کار نبندد، اگر چه حق باشد. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم)، اطاعت زن از فرمان همسر را نشانه خوبی زن

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷؛

ر.ک: امینی، آئین همسر داری، انتشارات اسلامی؛

می‌داند، چرا که این فرمان‌برداری، پایه‌های زندگی مشترک را که باید دائماً بر شالوده‌های دوستی و صمیمیت و آرامش استوار باشد، تثبیت می‌کند. آیا زنی که در برابر خواسته شوهر با گفتن یک کلمه (چشم)، آرامش را که رسالت و مأموریت اصلی اوست، در محیط خانه به ارمغان می‌آورد، لایق دریافت مدال افتخار بهترین زن، آن هم از زبان مبارک رسول گرامی اسلام نیست؟^{۶۲}

نقطه مقابل چنین زنی، آن است که جز لجاجت و تمرد و سرپیچی در برابر شوهر، برخورد و موضع دیگری ندارد. این از صفات بدترین زنان است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایت دیگر بیان می‌فرماید. روشن است که لجاجت در جایی است که مسئله حق‌پذیری و حق‌جویی در کار نیست، بلکه پافشاری و مقاومت بر سر موضوع و مطلبی است که زن جز این که بخواهد شجاعت و به اصطلاح هنرمندی و مرد بودن خودش را نشان بدهد، انگیزه دیگری ندارد. چنین زنی باید مطمئن باشد که تا این خصلت ناپسند که از ویژگی‌های بدترین زنان است، در اوست، هیچ‌گاه موفق به انجام رسالت خدایی خویش، که آرامش‌بخشی به زندگی و شوهر است، نخواهد شد.^{۶۳}

منابع:

- ۱- ابن مسکویه، علی بن احمد، تهذیب الاخلاق، انتشارات صدوق، قم، ۱۳۸۹، چاپ دوم.
- ۲- ازکمپ، ا. (۱۳۶۹). روان‌شناسی کاربردی، ترجمه: فرهاد ماهر، مشهد: نشر آستان قدس.
- ۳- اسکافی، م.؛ ترکمان، ف. و ساروخانی، ب. (۱۳۹۴). «سنجش و سنخ‌شناسی طلاق عاطفی در مشهد»، علوم اجتماعی، س ۱۲، ش ۱، ص ۲۵۰-۲۲۵.
- ۴- اکبری، ف. (۱۳۹۳). بررسی میزان طلاق عاطفی و پیامدهای اجتماعی و روانی آن (مطالعه موردی زوجین شهر سمنان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- ۵- امین، سیده نصرت، مخزن العرفان، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ ش
- ۶- انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول.
- ۷- باستانی، س.؛ گلزاری، م. و روشنی، ش. (۱۳۹۰). «پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی مواجهه با آن»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، د ۷، ش ۲۶، ص ۲۵۷-۲۴۱.
- ۸- بخارایی، ا. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)، تهران: پژوهش‌های جامعه.
- ۹- پاک نیا تبریزی، عبدالکریم، نگاهی به خطبه‌های حضرت زینب (س)، نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۹۱، چاپ اول.
- ۱۰- تنکابنی، فرید، نهج الفصاحه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲، چاپ هفدهم.
- ۱۱- توسلی، غ. ع. (۱۳۸۱). مشارکت اجتماعی در وضعیت جامعه آنومیک، تهران: نشر دانشگاه تهران.

مظاهری، علی اکبر، جوانان و انتخاب همسر، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ص ۱۱۵؛

مظاهری، علی اکبر، جوانان و انتخاب همسر، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ص ۱۱۵؛

- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۸، چاپ سوم
- ۱۳- چلیبی، م. (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی نظم و تشریح و تحلیل نظری نظام اجتماعی، تهران: نی.
- ۱۴- حاجی‌زاده‌میمندی، م؛ مداحی، ج؛ کریمی، ی؛ حدت، ا. و غروری، م. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی (مطالعه موردی متأهلان شهر شیراز)، مطالعات راهبردی زنان، ش ۷۱، ص ۸۵-۱۰۸.
- ۱۵- حافظ نیا، محمد رضا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸، چاپ سوم.
- ۱۶- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۹، چاپ چهارم.
- ۱۷- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۹، چاپ پنجم.
- ۱۸- راغب اصفهانی، محمد بن حسین، مفردات، انتشارات دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۱۷، چاپ دوم
- ۱۹- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: سروش.
- ۲۰- ریتزر، ج. (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- ۲۱- سبحانی‌جو، ح. ع. (۱۳۸۴). «خانواده، تحولات جهانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی»، مجله پیوند، ش ۳۱۵، ص ۳۵-۲۲.
- ۲۲- ستوده، ه. ا. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات ندای آریانا.
- ۲۳- سویزی، مه‌ری، چرایبی عفاف و حجاب، ناشر امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷. ش
- ۲۴- سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰، چاپ سوم.
- ۲۵- صفایی‌راد، س. و وارسته‌فر. ا. (۱۳۹۲). «رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرق تهران»، فصلنامه پژوهش‌اجتماعی، ش ۲۰، ص ۸۵-۱۰۶.
- ۲۶- صفرپور، ش. (۱۳۹۵). نقش تعارض‌های زناشویی در پیش‌بینی طلاق عاطفی در مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۷- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۰، چاپ دوم.
- ۲۸- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۰، چاپ چهارم.
- ۲۹- عبداللهی، م. (۱۳۹۲). «طلاق عاطفی، مفاهیم و نمادها»، فصلنامه مطالعات خانواده، ش ۲۵۵، ص ۱۸.
- ۳۰- عظیمی، ر. م. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی ایران، س ۳، ش ۱۰، ص ۳۱-۴۶.
- ۳۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۰، چاپ چهارم.

- ۳۲- فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ بوستان کتاب، ۱۳۸۶
- ۳۳- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، ۱۳۸۸، چاپ سوم
- ۳۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات مکتبه الصدوق، تهران، ۱۴۰۶، چاپ سوم
- ۳۵- محمدی، ز. (۱۳۸۳). بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۷۰ و ۸۰، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ۳۶- مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، نشریه انجمن اسلامی، ۱۳۵۳ ش
- ۳۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۸، چاپ چهارم
- ۳۸- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۹) صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ششم.
- ۳۹- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، چاپ سوم.
- ۴۰- نورمحمدی، س. (۱۳۹۱). «طلاق عاطفی (برگرفته از پایان‌نامه و مصاحبه)»، چشم‌انداز ایران، ش ۷۶، ص ۶۸-۷۱.
- ۴۱- یزدانی، عباس؛ حقیقتیان، م. و کشاورز، ح. (۱۳۹۲). «تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، د ۲، س ۲، ش ۶، ص ۱۸۵-۱۵۹.